



أُمّ الوسائل فی أُمّ المسائل

سلطان محمد القایینی (م، ۱۱۳۹)

حسین درایتی

امامان معصوم علیهم السلام، بزرگان دین و علماء اسلام، از ابتدای نزول قرآن از هر فرصتی جهت تبیین و تفسیر قرآن سود جستند و به روشهای گوناگون و در سبکهای مختلف و در سطوح متفاوت در صدد واضح نمودن محتوای این کتاب آسمانی بر آمده اند. ثمره این همه کوشش و تلاش فراوان، آثار ارزشمندی است که اینک در کتابخانه های سرتا سر عالم، چشم دل را می نوازند و تشنگان معارف قرآنی را سیراب کرد و چراغ هدایت قرآنی را پر فروغ تر می نماید.

با کمال تأسف، بسیاری از این آثار قرآنی ارزشمند و گرانسنگ، هنوز به صورت خطی و در نهایت غربت، در گوشه و کنار کتابخانه ها نگهداری می شود و از دسترس مشتاقان علوم قرآنی دور مانده است. دلیل این مدعا را با مروری گذرا به فهرست نسخه های خطی کتابخانه ها می توان یافت.

احیاء این گونه آثار، همّتی بلند و عزمی قاطع و انگیزه ای قوی می طلبد تا ثمره عمر

عالمان دینی را به بار بنشانند و دیده مشتاقان علوم و معارف قرآنی را به آثار بدیع و ستودنی عالمان سخت کوش، روشن نماید و از این طریق از طرفی مشمول عنایت قرآن قرار گرفته و از طرف دیگر موجب تشویق قرآن پژوهان شده تا دست از تألیف و تحقیق و تفسیر قرآن بر ندارند و بدانند که علاقه مندان به قرآن، آثار آنان را پاس می دارند.

یکی از هزاران عالمی که آثار متعدد و سودمندی در تفسیر قرآن بر جای نهاده است، حکیم الهی، فقیه صمدانی، محدث پرتوان، مفسر قرآن، فیلسوف آگاه و متکلم توانا مولانا سلطان محمد قاینی است. گرچه از زندگی وی اطلاع گسترده و دقیقی در دست نیست اما با استناد به اطلاعات ناقص موجود، وی از رجال علمی ایران در سده یازدهم قمری بوده است که بر اساس لیاقت، به سلطان العلماء اشتهار یافته، زیرا در مباحث و مناظرات علمی، کسی را یارای سخن گفتن با وی نبوده است.

علامه محقق شیخ عبدالنبی قزوینی در تتمیم امل الآمل، او را این گونه می ستایند:
 مولانا سلطان محمد القاینی، کان من العلماء الفضلاء النبلاء، حکیماً فقیهاً محدثاً من أرباب النفوس القویة، والسماوات السنیة، والأوصاف العلیة.

بنابر آنچه محقق گرانمایه، جناب آقای سعید زاده در کتاب «بزرگان قاین» نگاشته است؛ و با استناد، به برخی از نوشته های معظم له، وی دوران تحصیلات عالی خود را در اصفهان و هم زمان با سلطنت شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۸-۱۱۰۵) به انجام رسانده است. در حوزه علمیه قاین، به تدریس در رشته های مختلف علوم اسلامی پرداخته و تقریرات و آثار پر محتوایی از خود بر جای نهاده است. احیاناً به دعوت زمامداران وقت، به نقاط دیگر ایران جهت مباحثه های علمی مسافرت کرده که می توان از سفر سال ۱۱۱۵ او به هرات و مباحثه ایشان با پیشوای اهل سنت یاد کرد. وی سر انجام در ماه مبارک رمضان سال ۱۱۳۹ قمری، به مهمانی خدا شتافت.

آثار:

از ایشان آثار متعددی در زمینه های تفسیر قرآن، امامت، فلسفه و کلام گزارش شده است که به اختصار به آنها اشاره می کنیم:

۱. تهذیب الأمة: تفسیر مفصلی است بر قرآن کریم. مؤلف در تفسیر دیگرش به نام أمُّ الوسائل فی أمِّ المسائل از این کتاب نام برده است. در فهرست نسخه های خطی کتابخانه های ایران اثری از این تألیف یافت نشد. تنها نویسنده کتاب بزرگان قاین، نسخه ای ناقص

از این کتاب را در دست دارد که دارای ۷۹۸ صفحه ۱۷ تا ۱۹ سطری، به ابعاد ۱۸×۲۴ می باشد و قسمتی از آن به خط دیگری است و از آغاز و انجام، افتادگی دارد و اوراق زیادی را موریانه خورده است.

۲. الإمامة: این کتاب، مسایل امامت را به تفصیل بررسی کرده است. مرحوم عبدالنبی قزوینی، حجم این کتاب را هفتاد هزار سطر دانسته است. بنا به نوشته «بزرگان قاین»، نسخه ای از این کتاب در نیشابور نزد حفید مؤلف حجت الاسلام تولیت وجود دارد.

۳. الحاشیه علی شرح الجدید للتجرید: سلطان محمد قاینی، بر شرح فاضل قوشچی، حواشی محققانه و مفیدی نگاشته که در آن مطالبی را که هنگام درس می گفته فراهم آورده است. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است که به شماره ۳۳۳ ردیف ۱۸۶ ثبت شده است.

آغاز: بسمله، الحمد لله الذی عرفنا الخلاص عن العلائق الجسمانیة، و عرفنا النجاة من العوائق الظلمانیة...

انجام: بل قد يكون هواء و قد يكون تراباً و قد يكون ماءً إلى غير ذلك. این نسخه به خط مؤلف است و در حاشیه مطالبی را اضافه کرده که به کلمه «منه» می انجامد. حجم نسخه ۲۳۹ صفحه ۱۵ سطری است.

۴. تطهیر الأئمة: مؤلف از این اثر در تألیف دیگرش به نام أمّ الوسائل فی أمّ المسائل نام می برد. متأسفانه از این کتاب نسخه ای در دست نیست.

۵. رسالة فی الوجود: شامل مسایل و فواید فلسفی و کلامی درباره وجود است. مرحوم آقا بزرگ تهرانی در «الذریعة» این اثر را به سلطان محمد قاینی منتسب کرده است، ولی نسخه ای از آن را معرفی نمی کند و تا کنون نیز نسخه ای از این تألیف به دست نیامده است.

۶. أمّ الوسائل فی أمّ المسائل: تفسیری است محققانه و بلند دامن به زبان عربی بر سوره حمد و برگرفته از دو کتاب دیگر ایشان به نامهای «تطهیر الأئمة» و «تهذیب الأئمة». مؤلف در مقدمه کتاب، بعد از خطبه ای کوتاه و دقیق و هنرمندانه، انگیزه خویش را از پیدایش این اثر این گونه بیان می کند:

«فأنا أفقر عباد الله ابو الشریف سلطان محمد القایینی أقول: لَمَّا رَأَى بَعْضُ الْأَجْلَاءِ مِنَ الْأَصْحَابِ، وَالْأَزْكَیَاءِ مِنَ الطَّلَّابِ مَا فِي كِتَابِنَا تَطْهِيرِ الْأَئِمَّةِ وَتَفْسِيرِنَا تَهْذِيبِ الْأَئِمَّةِ

رغبوا فیهما و لم یتمکّنوا من مطالعتهما لظولهما و دقّتهما ، فصاروا ملتمسین بإفراد سورة الحمد و تفسیرها بکتاب علی حدة ، لما رأوا أنّ فیها من البسط و المسائل لم یذکره المفسّرون من الأوائل ، و اشتمالها علی أصول الدین و القوانین الکلیّة بالدلائل من الأصول و الفروع ... و لهذا سمّیته بـ «أمّ الوسائل فی أمّ المسائل» .

همان گونه که مؤلف در مقدمه کتاب به آن اشاره کرده است، وی در این اثر به مسایلی پرداخته که در سایر تفاسیر مسکوت گذاشته شده است. گرچه مؤلف در این اثر، به مسایل معمول و متداول تفسیری پرداخته و از روایات و مطالب ادبی در موارد ضروری به صورت بایسته و محققانه سود برده است، اما سعی و تلاش او بر اصول عقیدتی و فکری شیعی - بالأخص عصمت امام - با استناد به آیات قرآنی و با استفاده از ادله عقلی و فلسفی بوده است و در این راه از آرا و کتب فلاسفه غفلت نورزیده و به صورت گسترده به آنها اشاره کرده و از آنها سود برده است.

مؤلف بادقت در آیات قرآن، به ژرف نگریهای ستودنی و به نکاتی بدیع دست یافته که در تفاسیری از این دست به آنها اشاره ای نشده است.

مطالب این کتاب در دوازده باب تنظیم شده است. باب اول را به تفسیر استعاده اختصاص داده و در یازده باب دیگر به تفسیر سوره حمد پرداخته است. باب اول از مختصر ترین بابها و باب پنجم از مفصل ترین بابهای این کتاب است. در باب پنجم به تفسیر «رب العالمین» پرداخته و مسایل حاشیه ای فراوانی را به دقت بررسی کرده است.

با جست و جوی کاملی که در فهرست نسخه های خطی کتابخانه های ایران انجام شد، تنها یک نسخه از این اثر به دست آمد و متأسفانه به نسخه ای دیگر دست نیافتیم.

نسخه موجود در زمان حیات مؤلف استنساخ و با اصلش مقابله شده است. حاشیه هایی به امضای «ابن المؤلف» موجود است. در هامش صفحه آخر، جمله ای که دلالت بر تملک می کند، به خط پسر مؤلف دیده می شود: «من عواری الزمان عندي الأقل ابن سلطان محمد اشرف الشریف القایینی ۱۱۳۳». این نسخه را شیخ کمال بن حاجی محمد ابراهیم با خطی خوانا در ۴۲۴ صفحه ۱۵ سطری کتابت کرده است.

تحقیق این اثر در قالب طرح احیاء تک نگاریهای تفسیری (مجموعه اول - سوره حمد) در واحد احیاء آثار مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی «پژوهشگاه» آغاز شده و نیمی از تحقیق آن به انجام رسیده و با یاری حق به زودی با تحقیقی شایسته، دقیق و کار آمد عرضه خواهد شد.